

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

م. راد

۳۱ اکتوبر ۲۰۱۲

ایران و انتخابات ریاست جمهوری امریکا

نمایش پنجاه و هفتمین انتخاب ریاست جمهوری امریکا که بیش از چهار میلیارد دالر هزینه برداشته در ۶ نومبر ۲۰۱۲ بر گزار می شود که بخش عظیم این هزینه ها توسط شرکتها و انحصارات نظامی مالی از جیب مردم زحمتکش ۹۹٪ این کشور تأمین شده است. دو حزب حاکم دمکرات و جمهوریخواه بیش از صد سال است که قدرت را بین خود تقسیم کرده و به احدى اجازه عرض اندام در انتخابات ریاست جمهوری، دو مجلس سنا و کابینتول هیل را نداده اند.

بارک اوباما در دسمبر ۲۰۰۸ با ۵۳٪ آراء بر رقیب خود مک کین از حزب جمهوریخواه پیشی گرفت **مک کین** سناتور مادام العمر سنا پس از جنگ جنوب شرقی آسیا در صدد بود برنامه های ناتمام جورج بوش را به قول خودش به پایان برساند ولی تیم اوباما با آشفنگی اقتصادی و مالی امریکا با شعار تغییرات اساسی از جمله خروج نیروهای نظامی از عراق، کاهش بودجه نظامی، ایجاد کار برای بیکاران، افزایش مالیات بر ثروتمندان، بیمه درمانی برای شاغلان، دفاع از تولیدات داخلی و باز نگری در سیاستهای دولت محافظه کار جورج بوش از جمله در سیاستهای ستراتیژیک امریکا در سطح جهانی که با تهاجم نظامی همراه بود، وارد میدان شد. اوباما موفق شد با این برنامه اکثریت مردم امریکا از جمله جوانان را که به آنها قول تأمین هزینه تحصیلی و کار داده بود را در طرف خود قرار دهد.

اوباما پس از به دست گرفتن قدرت به پیشنهاد شورای امنیت ملی امریکا متشکل از نمایندگان انحصارات مالی، نظامی و وال ستریت ترکیب کابینه را چنان تدارک دید که تا حد توان به حزب جمهوریخواه که دار و ندار امریکا را در دو جنگ عراق و افغانستان بر باد داده بود آسیب کمتری وارد شود. که نتیجه آن ابقاء بسیاری از اعضای کلیدی دولت بوش از جمله وزارت دفاع، ریاست پنتاگون مرکز تصمیم گیری دوجناح برتر امریکا، حتی وزارت مالیه و رئیس خزانه داری امریکا قرار داشت. چنین تصمیم گرفته شده بود که تیم بارک اوباما که دیدگاه بسیار ساده لوحانه مذهبی داشت اوضاع را آرام کند تا شاید در این گیر و دار فرجی در اوضاع اقتصادی امریکا حاصل شود.

اوباما به سرعت با روسیه وارد مذاکره شد و استارت سه را دوباره فعال کرده و قرار شد تا در عرض دو سال مسئله کاهش بمب های اتمی را سر و سامان دهند و حتی از روسیه دعوت شد برای تأمین امنیت جمعی اروپا نماینده دائمی

به این پیمان نظامی گسیل دارد تا در جریان اوضاع امنیتی و دفاعی ناتو قرار گیرد. تا به زعم خود هم روسیه آرام گیرد و هم اعضای ناتو فرصت یابند خود را جمع و جور کنند. جناح محافظه کار امریکا با وجودی که در کابینه او باما دست بالا را داشت و در دوران هشت ساله ریاست جمهوری جورج بوش کشور را کاملاً ورشکسته کرده بود و بیش از ۱۶ هزار میلیارد دلار قرض بالا آورده بود فشار بی سابقه ای را بر تیم او باما وارد کرده و او را مجبور کرد تا ۸۰ میلیارد دلار برای بازسازی سلاح های اتمی امریکا در اقصا نقاط جهان را پیشنهاد و تصویب کند ضمن آن که وزارت دفاع امریکا با تمام توان در صدد محاصره کامل روسیه و چین با نصب موشکهای ضد موشک تحت عنوان خطر کوریای شمالی و ایران بود که مفهوم آن پذیرش عدم کاهش بودجه نظامی سر و سامان آور امریکا بود که در پی خود عکس العمل روسیه و چین را در بر داشت.

روسیه بلافاصله به طرح اجرائی موشکهای ضد موشک امریکا پاسخ داد در نتیجه تمامی هزینه هائی که امریکا و ناتو برای نصب موشکهای در شرق اروپا، ترکیه و جنوب شرقی آسیا کرده بودند نقش بر آب شد مضاف بر آن که هزینه سنگینی را بر دوش اعضای ناتو گذاشت و کار تیم تحمیلی جمهوریخواهان او باما را یکسره خراب کرد. او باما که در همان اولین ماه ریاست جمهوری با ورشکستگی بزرگترین بانک امریکا (Lehman - Brother) **لمان - برادر** مواجه شده بود طرحهای خود از جمله کاهش بیکاری، افزایش مالیات بر ثروتمندان، بیمه بیکاری برای شاغلان، تجدید ساختار وال ستریت مرکز مالی تجاری و اوراق بهادار امریکا که اینک نا کار آمد شده بود، دفاع از مصرف کنندگان، پشتیبانی از تولیدات داخلی و از همه مهمتر قول تأمین هزینه تحصیلی دانشجویان و ایجاد کار برای آنها را که در انتخابات ارائه کرده بود، غیر عملی می دید.

تازه او باما قول داده بود که نیروهایش را از عراق که هر روزه مورد حمله موشکی قرار می گرفتند خارج کند که مجبور شد در برابر درخواست وزارت دفاع که قدرت بر تر نظامی سیاسی امریکاست این نیروها را به افغانستان و مرز پاکستان منتقل کند و هرگز جرأت نکند از کاهش بودجه نظامی دم زند که تنها شانس اجرائی کردن بخشی از طرح سازماندهی و تغییر جامعه امریکا در تیم او بود. در نتیجه هر روز از وجهه او باما و عدم کار آئی وی بر همگان مخصوصاً بر جوانان روشنتر شد تا جائی که اکثریت آنها او باما را کشیشی می شناسند که فقط می تواند راجی کند و لی عملاً کاری از او ساخته نیست.

او باما که در عرصه داخلی عملاً کاری از پیش نبرده بود مجبور شد همانند سلف خود بوش دوباره به مسائل خارجی روی آورد. تمرکز علیه فعالیتهای اتمی ایران، تشدید تضاد بین دو کوریا، افزایش تضاد بین چین و جاپان و حتی کشورهای همسایه چین، ترور اوساما بن لادن کور و بیدفاع مقیم پاکستان که توسط نیروهای امنیتی در ازای پاداش نقدی برای حکومت ورشکسته پاکستان که توان پرداخت هزینه ارتش خود را ندارد، اشغال لیبیا و ویرانی این کشور به همراه سایر اعضای ناتو تا قبل از محاصره نفتی و ارزی ایران غرب دچار کمبود نفت نشود از اقداماتی بود که جناب او باما پای اجرای آنها رفت، تا فرصت بخرد. در حمله به محل اقامت بن لادن آنچنان ارتش به اصطلاح قدرتمند امریکا دچار ترس و وحشت شده بود که یکی از پر هزینه ترین هلیکوپترهای نظامی رادار گریز خود را بدون آنکه مورد حمله قرار گیرد بدیوار کوبید و سرنگون شد و رهبران امریکا به اتفاق او باما لحظه زنده منفجر کردن مغز بن لادن را در کاخ سفید تماشا کردند تا او باما به مردم امریکا بگوید که بالاخره کاری انجام داده است.

در فعالیتهای انتخاباتی این دوره در ابتداء هر دو کاندیدا تمرکز خود را بر روی روسیه و پوتین گذاشتند و این کشور را خطر عمده به خاطر تقویت نظامی و قدرت اتمی قلمداد کردند وقتی روسیه موشکهای ضد موشک را با سرعت

بالا و دقت در شلیک به هدف را آزمایش و نصب کرد و اتحاد ستراتژیک با چین را عملی کرد یک باره ورق بر گشت و هردو کاندیدا جهت حمله را به سمت چین نشانه رفتند که گویا چین با تولید کالاهای خود و صادرات کارگران امریکائی را بیکار کرده است.

آنچنان این حملات گسترده بود که انگاری جنگ نزدیک است چین هم به نوبه خود با فعال کردن اولین ناو هواپیمابر با هواپیماهای رادار گریز و افزایش بودجه نظامی که هنوز کمتر از یک هفتم امریکاست و مانور های نظامی و همکاری نزدیک با روسیه که سابقه تاریخی دارد سران نظامی امریکا حساب کار خود را کرده و به سرعت عقب نشینی کردند و هردو کاندیدا رسماً اعلام کردند که خواهان رابطه تجاری و همکاری با چین هستند مضافاً به این که امریکا بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دالر به چین بدهکار است .

چینی ها علاوه بر دومین قدرت اقتصادی دنیا دومین ارتش قدرتمند جهان را هم از آن خود کرده اند ضمن آن که بدهکار نیستند و بالاترین ذخایر ارزی جهان را دارند و از همه مهمتر بازار ۱.۳ میلیارد نفری قدرت اتکای این کشور است و با این کشور نمی شود شوخی کرد . این برخورد دوگانه به چین و روسیه نشان می دهد که امریکا جرأت درگیری با این دوقدرت جهانی را ندارد چه می داند مقابله به مثل خواهند کرد . ستراتژی هردو کشور چین و روسیه دفاعی است و به اساس حمله پیشگیرانه استوار نیست بلکه اگر مورد حمله قرار گیرند تا شکست کامل دشمن پیش خواهند رفت تاریخ این دو کشور نشان داده است که این ستراتژی جنگی موفق عمل کرده است (اتحاد شوروی علیه فاشیسم المان و چین علیه فاشیسم جاپان) .

اوباما و رامنئی که سببه را در مورد چین و روسیه پر زور دیده بودند سر افسار را کج کرده و سراغ ایران رفتند که در مقایسه با این دو کشور هم از نظر جمعیت و هم از نظر جغرافیای اقتصادی در موقعیت ضعیف تری قرار دارد سوای آن که ایران قادر نشده است با همسایگان روابط مناسب و به اساس منافع مشترک ایجاد کند که اگر بهتر توضیح دهیم تفکر سران رژیم به اساس جبهه منطقه ئی استوار نبود که به خاطر این سیاست نادرست ایران تا کنون بهای سنگینی پرداخت کرده است . خوشبختانه تضاد بین غرب و روسیه از یک طرف و بین غرب و چین از طرف دیگر برای ایران موقعیتی به دست آمده است تا امنیت ملی ما با امنیت ملی روسیه در یک جهت قرار گیرد که اقدام عملی علیه ایران بدون جلب و حمایت روسیه و تأمین منافع این کشور امکان پذیر نیست .

با وجود این کاندیداهای ریاست جمهوری امریکا دیواری کوتاه تر از ایران گیر نیآورده و حمله خود را در دور سوم بر روی ایران متمرکز کرده و حتی ایران را مجدداً تهدید به جنگ کرده اند . اوباما ادعا کرد که ایران اتمی را تحمل نخواهد کرد که در واقع دهن کجی به روسیه و چین را در نظر داشت ولی رامنئی همانند نتانیاهوی اسرائیلی از آنجا که می داند در انتخابات شانسی ندارد تا آنجا که می توانست برای ایران شاخ و شانه کشید در دور سوم مجادله اوباما با رامنئی مشخص بود رامنئی انگار آمده بود تا فقط حرفهای رئیس جمهور را گوش کند رامنئی ادعا می کرد که او بر این باور است تا قبل از این که ایران اقدام به تولید سلاح اتمی بکند باید تأسیسات اتمی این کشور را نابود کرد یعنی حمله پیشگیرانه . از حرفهای رامنئی و نتانیاهو چنین بر می آید که هدف آنها که هردو متعلق به راست ترین نیروهای انحصارات سرمایه داری هستند هول دادن بیشتر تیم اوباما به سمت نظامی گری است که البته اوباما تا حالا برای این گروه کم نگذاشته و در آینده هم چنین خواهد کرد .

مردم امریکا با تبلیغات گوش خراش و پر هزینه در شرایطی در ۶ نومبر به پای صندوقهای رأی می روند تا اوباما رئیس جمهور منتخب شورای امنیت ملی امریکا را انتخاب کنند که کشور تقریباً ورشکسته اقتصادیست ، بیش از ۲۳ میلیون بیکار ، بیش از ۴۷ میلیون زیر خط فقر به گفته اوباما و رامنئی در مناظره تلویزیونی ، که امریکا

غرق در بحران هم در درون و هم در سطح جهانی است. (آمار زیر خط فقر امریکا تا سطح ۷۰ میلیون نفر میرسد که بیش از ۷ میلیون نفر فقط مهاجران غیر قانونی هستند که در آمد آنها کمتر از ۵۰۰ دلار در ماه است) اوباما در طول اولین دوره ریاست جمهوری حتی نتوانست به یکی از قولهای که به مردم داده بود عمل کند. اوباما در مدت ریاست جمهوری جنگ را بیش از زمان بوش گسترش داد و اینک امریکا با هواپیماهای بدون سر نشین از مالی، سومالی، سودان، فلسطین، عراق، یمن، افغانستان، پاکستان، سوریه را مورد حمله قرار داده و در آینده ایران، ترکیه، اردن، لبنان و بقیه کشورهای شیخ نشین در نوبت قرار دارند که بافت اقتصادی و اجتماعی آنها نابود شوند. اوباما امریکا گسترش جنگ، ایجاد نا امنی و بی ثباتی در جهان است. این وظیفه را انحصارات نظامی، صنعتی، بانکی، وال ستریت و وزارت دفاع امریکا بعد از انتخابات یک بار دیگر به او محول خواهند کرد تا جنایات این کشور در اقصا نقاط جهان را توجیه کند. اوباما نه تصمیم گیرنده است و نه سیاستمدار اما خوب بلد است تا عملکرد سیستم پولیسی نظامی امریکا را با آب و تاب به خورد مردم بدهد. امریکا اینک منافع ملی بسیاری از کشورهای جهان را به خطر انداخته است بحران اقتصادی اروپا که قرار بود با اشغال عراق و نفت ارزان این کشور سر و سامان بگیرد در آستانه ورشکستگی است و خطر تلاشی اتحادیه اروپا از هر زمان دیگر بیشتر است. اتحادیه اروپا با یوروی ضعیف با بدهکاری تقریباً معادل در آمد ناخالص خود و کسری موازنه پرداختها تا سطح هزار میلیارد یورو می رود که پا جای پای امریکا بگذارد. تروئیکای اروپا متشکل از آلمان بزرگترین اقتصاد اروپا، فرانسه بزرگترین قدرت اتمی و انگلستان بزرگترین قدرت نظامی اروپا عملاً ۲۴ کشور دیگر این اتحادیه را تا آستانه ورشکستگی کامل پیش برده اند. بیکاری حداقل ۱۰٪ و در بسیاری از این کشورها تا سطح ۲۵٪ افزایش یافته است. اتحادیه بسیار متزلزل و ضعیف که قادر نیست روی پای خود بایستد و مجبور است سرنوشت خود را همچنان به سرنوشت امریکا گره بزند. اروپا به اوباما جایزه نوبل اهداء کرد البته که می دانست اوباما در افغانستان و پاکستان جنایت می کند و اینک به خودش هم جایزه نوبل داد به قاره ای که دو جنگ جهانی را سازمان دهی کرده و در این دو جنگ بیش از صد میلیون آدم کشته است. اگر روسیه، چین و دیگر کشورهای دموکراسی توده ای همانند اتحادیه امریکای لاتین نبودند معلوم نبود امریکا و اروپای امپریالیست چه بلایی سر مردم دنیا می آوردند.

در انتخابات ریاست جمهوری امریکا مردم امریکا دیگر گول وعده و عیدها را نخواهند خورد ملتی که داد می زند و بیک درصدی ها (۱٪) اعتراض می کند معلوم است که در این دوره فعال در انتخابات شرکت نخواهد کرد اوباما در این انتخابات رئیس جمهور خواهد شد ولی مردم اینبار کمتر به او رأی خواهند داد چون مردم امریکا به سیستم امریکا دیگر اعتماد ندارند. اوباما و تیم او به جوانان و بیکاران و آنهایی که از کمک های اجتماعی استفاده می کنند حقیقت را نگفتند اوباما، موفق نشد حتی به یکی از قولهای خود عمل کند او حتی جرأت نکرد به رامنی کاندیدای راست ترین جناح های انحصاری امریکا که حتی در درون حزب خود از وجهه ای بر خوردار نیست (کالین پاول وزیر دفاع بوش زمان جنگ عراق که جمهوخواه است رسماً از اوباما در انتخابات پشتیبانی کرده و بارها از این که با بوش در جنایات عراق شرکت کرده از خود انتقاد و احساس شرم می کند) علناً بگوید که آنها چه بلایی سر مردم این کشور ثروتمند آورده اند. اوباما هر گز به مردم این کشور نگفت که امریکا تا چه اندازه به خاطر بی احترامی به مردم دنیا، قتل عام مردم، نابودی زیر بنای اقتصادی و اجتماعی، جنگ و جنایت، فقر و فلاکت، افزایش تضاد بین کشورها و ایجاد نفرت مورد تنفر جهانیان است.

بدون هیچ تردیدی جهان بدون تجاوز نظامی ، دخالت در امور داخلی دیگر کشورها توسط امریکا به مراتب مدرن تر ، متمدن تر و پیشرفته تر خواهد بود . تاریخ امریکا تاریخ جنگ و جنایت است . در هیچ دوره تاریخی کشورها و مردم دنیا تا این اندازه آماده مقابله و مبارزه علیه این دوران ده ساله تاریک و رهبران بی خرد امریکا نبوده اند . امریکا با سیستم دیکتاتوری نظامی تا به دندان مسلح خود هنوز می تواند برای کشورهای کوچک و مردم زحمتکش جهان از جمله مردم خوب امریکا موانعی ایجاد کند ولی همانطور که تاریخ این کشور نشان می دهد امریکا و ناتو هر جنگی که به راه می اندازند متلاشی تر خواهند شد و در طرف مقابل مردم ۹۰٪ جهان بیشتر ابتکار عمل را به دست می گیرند .

م . راد (28.10.2012)